

نوع مقاله: ترویجی

بررسی ایجاد مسئولیت مدنی از سرایت بیماری کرونا

javaheriseyedali@yahoo.com

سیدعلی جواهری / دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مفید
دریافت: ۹۹/۱۰/۰۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

چکیده

به دنبال جهانی شدن بیماری کرونا، مسائل زیادی مطرح شده که یکی از آنها، بحث مسئولیت مدنی فردی است که به واسطه وی، بیماری به دیگری سرایت پیدا می‌کند. اثبات ضمان جبران خسارت به‌بارآمده از سرایت بیماری‌های مسری همچون کرونا، پس از علم به خصوصیات این بیماری و شرایط و اسباب ایجاد مسئولیت ممکن است. این نوشتار با هدف بررسی مسئولیت مدنی از سرایت بیماری کرونا تهیه شده است. بنابراین ابتدا برخی از خصوصیات بیماری مذکور بیان شده و پس از آن شرایط مسئولیت مدنی در رابطه با بروز خسارت از سرایت بیماری کرونا بررسی شده است. در ادامه به شیوه تحلیلی اسباب ایجاد مسئولیت و رفع آن موردنظر قرار گرفته است. نتیجه کلی آن است که اگر فرد مبتلا به ویروس کرونا، باعث سرایت بیماری مذکور به دیگری شود و موجب اتلاف منافعش گردد، مسئول جبران خسارت به‌بارآمده می‌باشد؛ مگر آنکه بتوان خسارت ایجادشده را به خود شخص متضرر نسبت داد.

کلیدواژه‌ها: بیماری کرونا، مسئولیت مدنی، جبران خسارت، قاعده.

مقدمه

سازمان ملل درباره محیط انسانی در سال ۱۹۷۲ به رسمیت شناخته شده است (همان).

از آنجا که موضوع قواعد و احکام فقهی و حقوقی فعل و ترک فعل مکلف است که منجر به اثری شود؛ باید فروزی که مورد بحث مسئولیت مدنی از تسری بیماری کرونا قرار می‌گیرد را بیان کرد؛ خواه از سوی مباشر باشد و خواه از سوی سبب؛ و در نهایت اقتضات قواعد فقهی و حقوقی در رابطه با هریک از آن فروض را مورد بررسی قرار داد.

گاه بیمار به‌عنوان مباشر، عامل تسری بیماری به دیگری است و گاه سبب که فردی غیر از بیمار است، باعث سرایت بیماری می‌گردد. در مواردی که بیمار عامل انتشار بیماری واگیردار کرونا است، گاه می‌داند که مریض است و به امکان سرایت بیماری به دیگری علم دارد و گاه از بیماری خویش اطلاعی ندارد. در همین حال شخصی که متضرر شده، گاه می‌توانسته از خویش محافظت کند و جلوی بیماری را بگیرد و گاه امکان محافظت از خود را ندارد؛ که یا به خاطر عدم توانایی وی در پیش‌گیری از بیماری است و یا به خاطر ایجاد تزاخم با دیگر افعال لازم اوست که منجر به عدم رعایت موارد پیش‌گیری می‌شود. اما در مواردی که مسبب، علت سرایت بیماری کروناست؛ گاه به وضوح در ذیل مسئولیت مدنی عام قرار می‌گیرد؛ برای مثال، وقتی شخص مجنونی که بیماری کرونا دارد را تحریک کند به دیگری حمله ببرد که در اثر آن مجنی‌علیه بیمار گردد؛ و گاه ممکن است دارای مسئولیت مدنی خاص باشند. در این مورد این سؤال نیز مطرح است که مسئولیت مدنی بیمارستان‌ها و پزشکان در برابر افرادی که برای رفع بیماری و برطرف شدن کسالت غیر از بیماری کرونا به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مراجعه کرده‌اند و به جهت عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی و عدم رعایت ضوابط توسط کادر بیمارستان و پزشکان، به بیماری کرونا مبتلا گردیده‌اند، چیست؟ آیا مسئولیت این دسته از پزشکان و بیمارستان‌ها در موارد تسری بیماری کرونا در قبال افرادی که به ایشان مراجعه کرده‌اند، مسئولیت تعهد به نتیجه است؟

قواعد فقهی، از جمله قاعده اقدام، قاعده تسبیب، قاعده دفع ضرر محتمل، قاعده تحذیر که قاعده اقدام به آن ملحق شود؛ از جمله قواعدی است که در بحث مسئولیت مدنی از تسری بیماری کرونا

بیماری کرونا از جمله بیماری‌های واگیردار و مسری با ویژگی‌های خاصی است که در دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین (بنا بر آنچه گفته شده است) ظهور پیدا کرد. به دنبال جهانی‌شدن بیماری کرونا، مسائل و موضوعات گوناگونی در حوزه‌های مختلف، در ارتباط با این بیماری مورد بحث و نظر قرار گرفت. یکی از مسائلی مهمی که در ارتباط با بیماری کرونا در حوزه حقوق خصوصی مطرح است، سؤال از مسئولیت مدنی فردی است که به واسطه وی، بیماری تسری پیدا می‌کند.

سؤال از مسئولیت مدنی و میزان مسئولیت در موارد انتشار بیماری کرونا و پاسخ‌گویی به آن، بر مبنای حق حیات، حق سلامتی و حق امنیت استوار است؛ زیرا حق حیات و حق بر سلامتی و حق بر داشتن جامعه‌ای امن، سه موضوع مهمی است که در حوزه بیماری‌های واگیردار ممکن است مورد تعرض و آسیب قرار گیرند.

حق حیات از مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقوق فردی در اسلام است. خداوند در این باره می‌فرماید: «هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته؛ و هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است» (مائده: ۳۲). حق حیات از سوی خداوند به انسان داده شده و از این رو، تنها خداوند است که می‌تواند در آن تصرف کند (بقره: ۲۸). پس هرگونه نابودسازی مادی و معنوی آن، که بدون اذن پروردگار صورت پذیرد، ممنوع و حرام است (اسراء: ۳۳). همچنین حق حیات در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده است. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر اذعان می‌دارد: هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت دارد. همچنین حق بر سلامت، یکی دیگر از حقوق اساسی بشر است که سازمان جهانی بهداشت با بیان سه امر جسمی، روانی و اجتماعی به آن اشاره کرده است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۲۰). ماده ۲ اساسنامه سازمان بهداشت جهانی سال ۱۹۴۸ نیز در تعریف سلامت مقرر داشته است: «سلامت وضعیت با رفاه کامل جسمی روانی و اجتماعی است، نه به صرف نبودن بیماری و ناتوانی».

در کنار دو حق مذکور، حق بر داشتن امنیت و محیط امن اجتماعی نیز یکی دیگر از حقوق است که مورد نیاز تمام انسان‌هاست (فیض کاشانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۶، ص ۱۶۴). این حق، در کنار حق حیات مطرح است؛ زیرا ایجاد خطر در محیط می‌تواند منجر به سلب حق حیات افراد جامعه گردد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۲۳). حق مذکور در کنفرانس

کلی کارشناسی‌ها بسنده خواهیم کرد. اولین خصوصیت بیماری کرونا سرایت‌پذیری و انتقال‌پذیری این ویروس از مجاری تنفسی است. در نتیجه با توجه به این شیوه انتقال، باید نوع آن را همه‌گیر، پخش شونده و مستقیم دانست، که اجتماعی بودن این بیماری لازمه آن است (احسانی‌فر، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵)؛ زیرا بیماری کرونا برخلاف اکثر بیماری‌های دیگر که از راه‌هایی همچون غذای ناسالم و فعل و انفعالات بدن منتقل می‌شود، در رفتارهای اجتماعی تأثیرگذار است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۳) و محیط اطراف شخص بیمار را آلوده می‌کند.

دومین ویژگی خاص بیماری کرونا آن است که انتقال آن کاملاً در اختیار انسان نیست؛ اگرچه انسان‌ها تا حدود زیادی می‌توانند از ابتلای به بیماری کرونا جلوگیری کنند.

سومین خصوصیت بیماری کرونا انتشار سریع و بالای این ویروس است و این خصوصیت سبب شده تا این بیماری از دیگر بیماری‌های مسری، همچون آنفولانزای خوک متمایز گردد.

چهارمین خصوصیت این بیماری، خطرناک بودن آن است؛ به‌گونه‌ای که خطر کشندگی این بیماری طبق اعلامیه سازمان بهداشت جهانی ۱۰ برابر آنفولانزای خوک است (احسانی‌فر، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵).

پنجمین خصوصیت این بیماری آن است که هیچ درمانی تاکنون برای آن به دست نیامده، و تنها راه در امان ماندن از بیماری کرونا، پیش‌گیری است. البته درمان‌های خانگی، سنتی و جدیدی که به صورت درصدی تأثیرگذار است، ممکن است موجب کاهش یا تسکین آثار بیماری کرونا باشد (همان).

اگر خصوصیات مذکور برای بیماری کرونا وجود نداشت، اصل اباحه و آزادی افراد در رفتارهای خویش در مناسبات اجتماعی محدود نمی‌شد؛ زیرا احتمال ورود ضرر جدی وجود نداشت. در نتیجه بحث از مسئولیت مدنی پیش نمی‌آمد. اما حال که آثار و خصوصیات بیماری کرونا به‌گونه‌ای است که می‌توان ارکان مسئولیت مدنی را در سرایت عمدی آن به دیگران تمام دانست؛ بحث از مسئولیت مدنی مطرح خواهد شد.

۲. بررسی ارکان مسئولیت مدنی در تسری بیماری کرونا

در ذیل عنوان مسئولیت مدنی شرایط آن مورد بحث قرار می‌گیرد، که عبارتند از: ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت.

ضرر در فقه به معنای از دست دادن مواردی است که از آن سود

حضور جدی دارند و متکفل پاسخ‌گویی به فروض بالاست. عمده قواعد مذکور که بر پایه بنای عقلا و ارتکاز ایشان پایه‌ریزی شده، می‌توانند اقتضائات فقه را در مورد فروض مذکور بیان کند.

لازم به ذکر است که نوشتار بر این پایه استوار است، تحذیری که از سوی مراکز دولتی و وزارت بهداشت در رابطه با تسری و لزوم پیش‌گیری از سرایت بیماری کرونا صورت گرفته، مکفی است و لازم نیست شخص ضررزننده که مباشر یا سبب است، خود هشدار را داده باشد؛ زیرا قاعده تحذیر تنها بر مستند روایی همچون «عذر من حذر» استوار نیست و دلیل آن عمدتاً بنای عقلای است که همچنان می‌پذیرد که هشدار عمومی، مکفی از هشدار شخص مباشر یا سبب است.

در این نوشتار پس از بیان ویژگی‌های بیماری کرونا و بررسی ارکان مسئولیت مدنی در مورد شخصی که باعث سرایت بیماری به افراد دیگر می‌شوند، قاعده اقدام و سپس قاعده تسبیب، بررسی خواهد شد. تا اینجا، عدم مسئولیت مدنی برای شخص مجنی‌علیه که خود عامل سرایت بیماری به خویش بوده است؛ و ایجاد مسئولیت مدنی برای آن دسته از افرادی که علت سرایت بیماری از شخص بیمار به شخص متضررنده، بیان می‌شود. در ادامه نوشتار، قاعده دفع ضرر محتمل و قاعده اتلاف بیان شده و نتایج کاربست آنها در موارد مذکور مورد بحث قرار خواهد گرفت. سپس قاعده تحذیر به انضمام قاعده اقدام و تأثیر آن بر قاعده دفع ضرر محتمل و اتلاف را مورد نظر و بررسی قرار خواهیم داد.

۱. بیان خصوصیات بیماری کرونا

بیماری‌های واگیردار انواع و اقسامی دارند و هریک از آنها دارای ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود هستند. از این‌رو، در جهت حکم‌شناسی باید هر دسته از بیماری‌های واگیردار که دارای خصوصیات نزدیک به هم هستند، به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد. در مقام بررسی مسئولیت مدنی در اثر انتشار بیماری کرونا، لازم است خصوصیات بیماری مذکور مورد بحث قرار گیرد؛ زیرا میزان احتمال سرایت و فهم عرفی سببیت زیان و میزان سببیت وخامت و طرق انتقال و اشاعه بیماری از مواردی است که در بررسی مسئولیت مدنی از تسری بیماری کرونا اثرگذار است.

از آنجاکه شناخت و بیان دقیق از خصوصیات بیماری کرونا نیازمند نظر کارشناسی است؛ در اینجا بر حسب لزوم، به بیان نظر

برخی از موارد برای احراز رابطه سببیت به شرط تقصیر اشاره کرده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۸). با وجود این، در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ تقصیر به‌عنوان مبنا و رکن مسئولیت مدنی قابل استنباط است (همان، ص ۱۷۱). اکثر اساتید حقوق نیز، در رابطه با حل تعارض موجود بر این باورند که در حقوق ایران، قاعده عمومی، مسئولیت مبنی بر تقصیر است و تقصیر رکن مسئولیت مدنی است؛ اگرچه در برخی مواقع، همچون اتلاف مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده است (همان، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۹۴).

مطابق با ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». اگر فرد بیمار در اثر بی‌احتیاطی، باعث انتقال یا شیوع بیماری واگیردار بین سایر افراد جامعه شود؛ به‌طوری‌که به سلامتی ایشان لطمه وارد آید؛ مسئول جبران خسارت‌های مادی (هزینه درمان و...) و معنوی خواهند بود.

شرط سوم برای تحقق مسئولیت مدنی، وجود رابطه سببیت است که در تمام نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۳۰۳)؛ زیرا به صرف تحقق ضرر و فعل زیان‌بار یا تقصیر، مسئولیت برای افراد ایجاد نمی‌شود؛ بلکه لازم است میان ضرر و فعل زیان‌بار رابطه سببیت وجود داشته باشد. بنابراین اگر در اثر تقصیر شخص بیمار به کرونا، بیماری او به دیگری سرایت کند و در پی آن ضرر مالی یا جانی بر دیگری وارد شود، شخص بیمار مسئول جبران خسارت است.

۲-۱. قاعده اقدام

قاعده اقدام به زیان، به این معناست که هرگاه فردی با توجه و آگاهی عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، واردکننده زیان، مسئول نخواهد بود. فقها عدم مسئولیت واردکننده زیان را مستند به اقدام خود شخص دانسته‌اند؛ زیرا شخص با اقدام خود، موجب از بین رفتن حرمت مالش شده است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲۲)؛ به‌طور مثال، در مقبوض به عقد فاسد که مالک اذن در تصرف در مال خود را به طرف دیگر عقد داده

می‌بریم. به بیان دیگر، ضرر در عرف نقص در مال، آبرو، نفس یا چیزی از شئون شخص است که از آن استفاده می‌کرده و عرف آن را موجود می‌پنداشت (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴). ضرر در حقوق نیز به مفهوم نقص در اموال، یا از دست دادن منفعت مسلم، یا ورود لطمه‌ای به سلامت، حیثیت و عواطف اشخاص است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۲۴۲). بنا بر آنچه از قوانین و اصول حقوقی و آرای قضایی و دکترین برمی‌آید، ضرر باید دارای شروطی باشد که از جمله آنها مسلم بودن ضرر، و مستقیم بودن آن است. همچنین ضرر باید شخصی باشد و در نتیجه لطمه‌ای که به شخص یا نفع مشروع وی وارد شده است، پدید آمده باشد. افزون بر این شرایط، ضرر باید قابل پیش‌بینی باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۸۸). چنانچه در بیان ویژگی‌ها و خصوصیات بیماری کرونا گذشت، خطرناک بودن بیماری مذکور تا آنجایی است که ده برابر آنفولانزای خوکی پیش‌بینی شده است؛ و وجود چنین ضرری در سرایت بیماری کرونا که در مواردی ایجاد مسئولیت قهری می‌کند، مطابق با ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ قابل پیش‌بینی است؛ زیرا در بسیاری از موارد رابطه سببیت عرفی بین فعل خوانده و ضرر محقق می‌باشد.

شرط دوم برای تحقق مسئولیت مدنی فعل زیان‌بار یا تقصیر است. فقه و قانون مدنی با قانون مسئولیت مدنی در این زمینه رویه واحدی ندارند. در فقه اصطلاح تقصیر در باب موجبات ضمان به کار رفته؛ ولی به‌عنوان شرط مسئولیت مدنی یا ضمان از آن یاد نشده است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۳۷؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۵). فقهای امامیه تقصیر را اعم از تعدی و تفریط دانستند و بر این باورند که برای تحقق تقصیر، نه علم و نه قصد شخص لازم نیست. تعدی و تفریط به معنای انجام ندادن عملی که فرد ملزم به انجام آن بوده یا ارتکاب عملی که از آن منع شده است، می‌باشد. بنابراین ضمان ناشی از تقصیر در مورد شخص غیرعالم و شخص جاهل، صادق است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴۸). همچنین لازم به ذکر است که از فتاوی فقها چنین برمی‌آید که تقصیر دارای مفهوم نوعی است و هر آنچه بر حسب عرف تعدی و تفریط دانسته شود، تقصیر و موجب ضمان است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۶). در قانون مدنی نیز که به تبعیت خاص خود از فقه اسلامی پایه‌ریزی شده است، در ذیل مواد ۳۳۵ و ۳۲۸ عنوان اتلاف و تسبیب بیان شده و در این موارد تقصیر به‌عنوان مبنا و یا رکن مسئولیت مدنی مطرح نشده است. اگرچه در

کرده باشند. برای مثال، بی‌گمان افرادی با انگیزه‌های گوناگون همچون کشف درمان بیماری کرونا، خود را در معرض بیماری کرونا قرار داده‌اند، تا بیماری به آنها سرایت کند. این دسته از افراد حقیقی برای مطالبه خسارت ندارند؛ زیرا فرد، مباشر در ورود ضرر به خود بوده است. از این رو، رابطه سببیت که موردنیاز برای مسئولیت مدنی است در عامل کمک‌کننده وجود ندارد. همچنین با اجتماع سبب و مباشر در حصول تلف، ضمان متوجه مباشر خواهد بود. البته اگر سبب اقوای از مباشر باشد، مسبب ضامن خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۳). (ص ۱۴۵).

فرض دوم، فردی است که علی‌رغم آگاهی و علم به وجود زیان، که گاه با هشدار عامل زیان پدید آمده و علی‌رغم توانایی بر اجتناب از خطر، از موقعیت خطرناک دوری نکرده است، و بدین سبب، به بیماری کرونا مبتلا گردیده است. در واقع چنین فردی به ضرر خود اقدام کرده؛ زیرا از سویی به انتشار سریع ویروس بیماری کرونا علم داشته و از سوی دیگر، از خطرات این بیماری آگاهی داشته و با وجود توانایی از پیش‌گیری و اجتناب از موقعیت خطرناک، اقدامی نکرده است. او در حقیقت خود را در موقعیت خطرناکی دیده و راضی به ادامه وضعیت خویش است. ادامه دادن وضعیت قبل، چیزی جز اقدام به ضرر خود نیست. از این رو، مشمول قاعده اقدام می‌باشد و در نتیجه نمی‌تواند خواهان جبران خسارت از دیگری باشد.

۲-۲. قاعده اتلاف

مفاد این قاعده مطابق با «من أُلّف مال الغیر فهو له ضامن» و «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» (ابن ابی‌جمهور احسان، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۷۳) است. بنابراین اگر کسی مال و نفس غیر را بدون داشتن مجوز شرعی و قانونی و به هر طریقی به نحو حقیقی و یا به نحو حکمی از بین ببرد یا خسارت به آنها وارد کند، ضامن است (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳).

لازم به ذکر است که قاعده اتلاف اختصاصی به امور مالی ندارد، اگرچه با عنوان مال بیان می‌شود؛ زیرا در باب جنایت نیز بحث ضمان از اتلاف نفس یا ورود خسارت جرحی بیان شده که مطابق با آن، اگر شخصی سبب تلف نفس یا ورود ضرر بر دیگری شود؛ اگرچه تقصیری هم مرتکب نشده باشد، مسئول پرداخت خسارت خواهد بود (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۴۲). روایات متعددی در باب مذکور در این زمینه وجود دارد. همچنین عقلای عالم هیچ

است؛ اگر مال مزبور بعد از قبض تلف شود، طرف دیگر در مقابل مالک مسئولیتی نخواهد داشت (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۹۱).

عمده مستندات قاعده اقدام ادله روایی و بنای عقلاست. مهم‌ترین دلیل روایی اثبات این قاعده، که فقها به آن تمسک کرده‌اند، حدیث «لایحلّ مال امرئ مسلم الا عن طیب نفسه» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۷) است؛ یعنی وقتی که مالکی راضی به تصرف مجانی دیگری در مال خویش باشد، دیگر جایی برای ضمان متصرف باقی نمی‌ماند (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۶۹).

دلیل دیگر، حکم بناء عقلا به عدم مسئولیت است، در رابطه با فرد بالغ و رشیدی که با علم و اراده خویش، در امور مالی و غیرمالی بر علیه خود اقدام می‌کند و موجبات ورود زیان بر خود را فراهم می‌کند. در واقع اقدام بر ضرر خود کرده و احترام مال خود را از حیث ارزش ساقط کرده است. در چنین مواردی که خود شخص اقدام بر ورود ضرر بر مال خود کرده است، «عقلا بما هم عقلا» با قطع نظر از عوارض خارجی هیچ‌گونه مسئولیتی برای شخصی که این عمل را انجام داده، قائل نیستند (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۹۷).

قاعده اقدام در اصطلاح حقوقی به همان معنای مذکور در فقه است. بنابراین اساتید حقوق معتقدند: چنانچه فردی زمینه ورود زیان بر اموال خود را فراهم کند، مستحق دریافت خسارت نخواهد بود. به بیان دیگر، موجبی برای مسئولیت دیگری نخواهد بود (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۰۲). در این باره ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی مالی به تصرف صغیر یا غیرممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود». لازم به ذکر است که عدم وجود ضمان در مواردی که خود فرد موجب ورود زیان و ضرر به خود می‌شود، تنها به امور مالی اختصاص ندارد؛ بلکه در باب جنایت بر نفس نیز، مطابق ادله نقلی همچون (ولا تزر وازره وزر اخری) و عقلی که بنای عقلاست، شخص مستحق اخذ هیچ دیه‌ای و خسارتی نیست. از این رو، به نظر می‌رسد که قاعده اقدام مشمول هر نوع ضرر و زیان اعم از مالی و جانی باشد.

هم‌اکنون برخی از فروض سرایت بیماری کرونا را مورد بررسی قرار می‌دهیم، که قاعده اقدام آنها را دربر می‌گیرد.

فرض اول، آن‌گاه که فردی با علم و از روی قصد، خود را به بیماری کرونا مبتلا کند، مشمول قاعده اقدام بوده و هیچ حقی برای مطالبه خسارت از دیگری ندارد؛ اگرچه دیگری در این امر، او را یاری

فرقی در باب ضمان اتلاف بین مال و نفس شخص نمی‌گذارند؛ بلکه بر اتلاف در نفس اولویت قائل‌اند. از این رو، می‌توان دریافت که روایت «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» هم ارشاد به چنین بنایی است که از سوی عقلا وجود دارد.

قاعده اتلاف دارای مستندات نقلی و عقلی است. مستندات نقلی آن شامل مستندات قرآنی همچون «فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ...» (بقره: ۱۹۴) و روایی نظیر «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۶۱۰) یا «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۶۰) است. همچنین مطابق با بنای عقلا می‌توان دریافت که عقلا وقتی شخصی مبادرت به اتلاف مال یا عرض یا نفس دیگری می‌کند، ذمه او را در قبال مالک مشغول و او را ضامن می‌شناسند و این بدین معناست که او را مسئول پرداخت مثل یا قیمت یا خسارت می‌دانند. از این رو، قاعده اتلاف جایگاه محکمی در میان قواعد دارد.

محتوای قاعده اتلاف در قانون مدنی نیز، پذیرفته شده است؛ زیرا در بحث موجبات ضمان قهری، اتلاف را یکی از موجبات ضمان شمرده‌اند. افزون بر آن در مواد فراوانی از قانون مدنی به محتوای قاعده اتلاف استناد شده است. برای مثال، در ماده ۳۰۷ آمده است: «فصل دوم - در ضمان قهری - امور ذیل موجب ضمان قهری است: ۱. غصب و آنچه که در حکم غصب است؛ ۲. اتلاف» همچنین اساتید حقوق مطابق با بیان فقها بر این باورند که منافع مستوفات و غیرمستوفات مورد ضمان است و به مواردی از آن، که در قانون مدنی آمده و برای مثال به ماده ۱۳۰۳ «کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است، اعم از اینکه به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل»؛ و ماده ۳۲۰ «نسبت به منافع مال مغضوب، هریک از غاصبین به اندازه منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود ضامن است اگرچه استیفاء منفعت نکرده باشد» اشاره می‌کنند. اما همان‌طور که قبلاً در ذیل بحث شرایط عام مسئولیت مدنی ذکر شد، اساتید حقوق در بحث اتلاف، مسئولیت محض را پذیرفته‌اند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۲). از این رو، اگر شخصی حتی بدون داشتن تقصیر، مال یا نفس دیگری را تلف کند، باید مسئولیت آن را بپذیرد و از عهده جبران آن برآید.

مطابق با مفاد قاعده اتلاف، بعضی از فروض سرایت بیماری کرونا به دیگری عبارتند از:

فرض اول: اگر شخص مبتلا به ویروس کرونا بداند که مریض است، اما پیش‌گیری‌های لازم به جهت عدم سرایت بیماری به دیگری را انجام ندهد و سرایت صورت پذیرد، و در اثر آن ضرری به دیگران وارد آید، باید از عهده خسارت آن برآید؛ زیرا مطابق با مفاد قاعده اتلاف، مسئول خسارت‌هایی است که به واسطه او پدید آمده است.

فرض دوم: اگر شخصی نداند که به بیماری کرونا مبتلا است، ولی برخلاف دستورات سازمان بهداشت و کارشناسان سلامت عمل کند و اقدامات پیش‌گیرانه انجام ندهد و موجب ابتلای دیگری به بیماری کرونا گردد و به این طریق به دیگری ضرری برساند؛ درحالی‌که او اقدامات پیش‌گیرانه را تا حد ممکن انجام داده است، باز هم مسئولیت جبران خسارت را باید به عهده بگیرد؛ زیرا آگاهی و عدم آگاهی شخص در مسئولیتی که در اثر اتلاف برای وی ایجاد شده است، تأثیری ندارد؛ چراکه در اتلاف مسئولیت محض پذیرفته شده و آگاهی مقدمه تقصیر است که مبنای مسئولیت در باب اتلاف نیست.

فرض سوم: اگر شخصی نداند که به بیماری کرونا مبتلاست، ولی همچنان اصول پیش‌گیرانه را عمل نکند، ولی در مقابل نیز فردی که بیماری به او سرایت کرده، علی‌رغم توانایی و آگاهی بر لزوم رعایت اصول پیش‌گیرانه، اقدامات لازم را انجام ندهد باشد، در این مورد خسارت وارده به وی مشمول قاعده اقدام است و از باب اولویت مباشر بر سبب، خود فرد مسئول است.

۳-۲. قاعده تسبیب

هرگاه اتلاف مال یا ایراد جنایت بر دیگری به‌طور غیرمستقیم و با زمینه‌سازی و فراهم کردن مقدمات حاصل گردد، قاعده تسبیب نامیده می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۸). تسبیب در مقابل مباشرت و از مصادیق اتلاف به معنای عام است. در تسبیب برخلاف مباشرت، اتلاف با واسطه و به‌طور غیرمستقیم و با فراهم کردن مقدمات آن صورت می‌گیرد. برای مثال، کندن چاه در راه، افروختن آتش و سرایت دادن آن به ملک همسایه، شهادت دادن دروغین علیه کسی و باز کردن قفس حیوانات، در هریک از این موارد تلف شدن مال، جان یا وارد آمدن خسارت به واسطه صورت گرفته است، به‌گونه‌ای که اگر تسبیب نبود، خسارت پدید نمی‌آمد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۴۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۶؛ محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۹).

محتمل وجود دارد، می‌توان به بنای عقلا اتکا کرد؛ زیرا تمام ضررها به یک میزان نیستند؛ بلکه از مقوله مشکک‌اند و دارای درجات متفاوتی هستند و در مواردی عقلا دفع آن را واجب و در مواردی لازم نمی‌دانند. از این رو، دفع ضرر احتمالی لازم است که عقلا با نگاه عرفی آن را لازم بدانند. به بیان روشن‌تر، یا میزان محتمل به اندازه‌ای باشد که نتوان از آن گذشت؛ برای مثال، زمانی که محتمل، از دست رفتن جان انسان باشد؛ اگرچه قوت احتمال کم باشد باز هم عقلا به آن اهمیت بسزایی می‌دهند؛ و یا قوت احتمال زیاد باشد (احسانی‌فر، ۱۳۹۹، ص ۱۵۳). در نتیجه ضرری باید دفع شود که قابل اعتنا باشد.

اما در بررسی دلالت این قاعده بر لزوم دفع ضرر محتمل از دیگری، آن‌گاه که ضرر در اثر سرایت بیماری کرونا رخ دهد و ایجاد مسئولیت عامل مؤثر در سرایت، باید گفتم که تمسک به این قاعده برای اثبات امور مذکور، با چالش‌هایی روبه‌روست.

اول آنکه، دفع ضرر محتمل در مواردی که قابل جبران نباشد، پذیرفتنی است؛ لیکن در مواردی که قابل جبران و ترمیم است با این سؤال روبه‌روست که آیا توانایی جبران و ترمیم ضرر و خسارت مکفی از انجام پیش‌گیری نیست؟ در برابر این پرسش شاید بتوان چنین گفت که همیشه دفع ضرر احتمالی از رفع ضرر پس از وقوع آن، اولویت دارد؛ زیرا نه تنها چنین ارتكازی در میان عقلا وجود دارد که هزینه پیش‌گیری کمتر از درمان است؛ بلکه قلع عامل ضرر مقدم‌تر است تا رفع ضرر؛ زیرا وجود ضرر فرع وجود عامل ضرر است (احسانی‌فر، ۱۳۹۹، ص ۱۴۹) و عقلای عالم رفع ضرر را در هر حالی لازم می‌دانند.

دوم آنکه، اگر دفع ضرر محتمل از دیگری با برخی از حقوق فرد بیمار، همچون حق آزادی در تضاد باشد، معلوم نیست بنای یکسانی برای عقلا پدید آید؛ زیرا دفع ضرر در مقابل ایجاد مشقت در اثر از دست رفتن حق آزادی و رفاه اجتماعی فردی است؛ از این رو، موارد را به صورت شخصی باید سنجید. البته شاید بتوان این‌گره را هم با تمسک به قاعده لاضرر و لاضرر باز کرد. اگر مفاد قاعده لاضرر، رفع حکم ضرری در اسلام باشد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۶۰) و درجاتی از حق آزادی بیمار مسری همچون بیمار مبتلا به کرونا را عرفاً به ضرر جامعه و افرادش دانسته باشیم، قاعده لاضرر مقدم بوده و حق بیمار تا جایی که موجب ضرر است، به جهت حفظ حقوق جامعه و افراد آن رفع می‌گردد. در نهایت به نظر می‌رسد، قدر متیقن از دفع ضرر محتمل وقتی است که منجر به تلف نفس گردد و یا آنکه بیماری به قدری

در رابطه با مستند قاعده مذکور، بین فقها اختلافی نیست و علاوه بر آن، اخبار متعددی بر وجود چنین قاعده‌ای دلالت دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۷، ص ۴۶). ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بیانگر قاعده مذکور است.

حال برخی از فروع سرایت بیماری کرونا را مورد بررسی قرار می‌دهیم که قاعده تسبیب آنها را دربر می‌گیرد.

فرض اول: آن‌گاه که فردی باعث می‌شود ویروس کرونا به دیگری سرایت کند که در اثر آن خسارات مالی و جانی بر وی وارد می‌آید، درحالی که مباشر شخص دیگری است. برای مثال، وقتی شخصی بیمار مبتلا به ویروس کرونا که دیوانه است را تحریک کند تا به دیگری حمله‌ور شود که در اثر آن، به دیگری ضرر برسد. یا آن‌گاه که متخصص یا دولتی با انگیزه‌های غیرانسانی اطلاعاتی را به بیماران یا شهروندان خود ارائه کنند که به واسطه آن اطلاعات، فریب بخورند و در نتیجه آن به بیماری کرونا مبتلا گردند. در این موارد چون سبب اقوای از مباشر است، مسبب ضامن خواهد بود؛ در نتیجه مشمول قاعده تسبیب خواهند بود.

فرض دوم: مسئولیت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و پزشکان در برابر مبتلا شدن بیماران خود به بیماری کرونا، از باب قاعده تسبیب است؛ البته در صورتی که پذیرفته شود دارای مسئولیت خاص و قراردادی و متعهد به نتیجه هستند.

۲-۴. قاعده دفع ضرر محتمل

قاعده دفع ضرر محتمل، از قواعد عقلی است که مضمون آن حکم عقل به دفع ضرر محتمل و مظنون از خود و یا از دیگر است. بنابراین، اگر انسان درباره چیزی احتمال ضرر بدهد، از نظر عقل، دفع آن ضرر محتمل واجب است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۹). برخی قاعده وجوب «دفع ضرر محتمل» را تنها در ضررهای اخروی دانستند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۴)؛ ولی در مقابل، برخی دیگر بین ضررهای دنیوی و اخروی تفکیک قائل نشده‌اند و دفع همه ضررهای محتمل دنیوی و اخروی را لازم دانستند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۹؛ نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۱۵؛ احسانی‌فر، ۱۳۹۹، ص ۱۱۷).

عمده دلیل تمسک به دفع ضرر محتمل بنای عقلاست (طباطبائی مجاهد، ۱۴۱۵ق، ص ۴۸۷؛ احسانی‌فر، ۱۳۹۹، ص ۱۵۳). بنابراین در تشخیص مواردی که ملاک و مناط حکم دفع ضرر

اما به نظر می‌رسد که قاعدهٔ تحذیر، به‌تنهایی و بدون تمسک به قاعدهٔ اقدام، منتج نباشد. شاید هم بتوان ادعا کرد که برگشت قاعدهٔ تحذیر به قاعدهٔ اقدام است؛ زیرا وقتی شخص از خطر احتمال آگاه شد و امکان پیش‌گیری هم برای او فراهم باشد؛ اما با این حال به وضعیت فعلی‌اش راضی بوده و وضعیتش را ادامه دهد، در حقیقت مشمول قاعدهٔ اقدام است، که بیان آن گذشت.

نتیجه‌گیری

یکی از مباحثی که به تازگی مورد بحث و نظر قرار گرفته، مسئولیت و ضمان بروز خسارت در اثر سرایت بیماری کروناست. برای تعیین مسئولیت و ضمان در ابتلای هر فرد به بیماری کرونا، فروضی قابل تصور است که باید هر کدام به صورت مستقل بررسی شود.

فردی که با علم و از روی قصد، خود را به بیماری کرونا مبتلا کند، مشمول قاعدهٔ اقدام بوده و هیچ حقی برای مطالبه خسارت از دیگری ندارد؛ هرچند دیگری در این امر، او را یاری کرده باشند. فردی که علی‌رغم آگاهی و علم به وجود زیان از موقعیت خطرناک دوری نکرده و بدین سبب به بیماری کرونا مبتلا گردیده و دچار ضرر و زیان شده است؛ چنین فردی به ضرر خود اقدام کرده، از این‌رو، مشمول قاعده اقدام می‌باشد و در نتیجه نمی‌تواند خواهان جبران خسارت از دیگری باشد.

شخص مبتلا به ویروس کرونا بداند که مریض است، اما پیش‌گیری‌های لازم به جهت عدم سرایت بیماری به دیگری را انجام ندهد و در اثر سرایت، ضرری به دیگری وارد آید؛ باید از عهده خسارت آن برآید؛ زیرا مطابق با مفاد قاعدهٔ اتلاف، مسئول خسارت‌هایی است که به واسطه او پدید آمده است.

فردی که نداند به بیماری کرونا مبتلا است، ولی برخلاف دستور کارشناسان، اقدامات لازم جهت پیش‌گیری را انجام ندهد و موجب ابتلای دیگری به بیماری کرونا گردد و به این طریق به دیگری ضرری برساند، درحالی که او اقدامات پیش‌گیرانه را تا حد ممکن انجام داده است؛ مسئول خسارت به وجود آمده است؛ زیرا مشمول قاعدهٔ اتلاف است که آگاهی و عدم آگاهی شخص در مسئولیتش تأثیر ندارد. شخصی که نداند به بیماری کرونا مبتلاست و اصول پیش‌گیرانه را عمل نکند، ولی در مقابل نیز، فردی که بیماری به او سرایت کرده است، علی‌رغم توانایی و آگاهی بر لزوم رعایت اصول

طولانی باشد که عرفاً سبب مشقت زیاد باشد، اما دربارهٔ زیان‌های کمتر از آن، که قابلیت جبران دارد، جای تأمل است. در رابطه با بیماری کرونا و احتمال سرایت آن و خطراتی که ممکن است پدید آید، همان‌طور که بیان شد به گفته سازمان جهانی بهداشت، بیماری کرونا بیماری عمومی و فراگیر با خطراتی ۱۰ برابر انفلانزای خوکی است. همچنین در مورد مبتلا شدن افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای و سنین بالاتر، خطر تلف نفس شدت بسیار زیادی دارد. از این‌رو، شایسته است که افراد مطابق با حکم عقل در جهت پیش‌گیری از ابتلای به بیماری کرونا اقدام کنند.

۲-۵. قاعده تحذیر

قاعده تحذیر که معمولاً با عبارت «قد اعذر من حذر» می‌آید، بدین معناست که اگر کسی پیش از ارتکاب فعلی که احتمال می‌رود از انجام آن ضرری یا خطری متوجه دیگران شود، دیگران را از وجود آن ضرر احتمالی آگاه کند و با این وجود آنان خود را در معرض خطر قرار دهند، در صورت بروز خسارت برای هشدارداده‌شدگان، هشداردهنده معذور خواهد بود و تحت شرایطی از مسئولیت مدنی مبرا می‌گردد (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۶۳).

قاعده تحذیر در سطح قوانین داخلی و قوانین حقوق بین‌الملل و به صورت گسترده اعمال می‌شود و مستندات آن اعم از ادله نقلی و عقلی است. از مهم‌ترین روایاتی که می‌توان برای دلالت بر قاعده تحذیر استفاده کرد، فرمایش امیرمؤمنان علی علیه السلام است که در مقام بیان عدم ضمان شخص هشداردهنده، می‌فرماید: «هرکس هشدار می‌دهد، معذور است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۴۶۸). اما بنا بر عقیدهٔ برخی از محققان، بنای عقلا دلیل مهم‌تری برای قاعده تحذیر است؛ زیرا بنای عقلای عالم بر عدم مسئولیت هشداردهنده‌ای است که به نحو صحیح و با رعایت شرایط هشدار صحیح، دیگری را از آسیب احتمالی که ممکن است در اثر کار وی رخ دهد، برحذر بدارند، اما در مقابل، شخص هشدار داده‌شده، تغییر وضعیت ندهد و در اثر آن دچار آسیب گردد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۳۹). تعهد نسبت به صدمه نزدن به حقوق دیگران و احترام به آنان که در نظام‌های حقوقی با عنوان نظریه تعهد ایمنی شناخته می‌شود (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ص ۸۲) مؤید چنین بنای عقلانی است که بیان شد.

پیش‌گیرانه، اقدامات لازم را انجام نداده باشد؛ در این مورد خسارت وارده به وی مشمول قاعده اقدام است و از باب اولویت مباشر بر سبب، خود فرد مسئول است.

آن‌گاه که فردی باعث می‌شود ویروس کرونا به دیگری سرایت کند که در اثر آن خسارات مالی و جانی بر وی وارد می‌آید، درحالی‌که مباشر شخص دیگری است؛ در این موارد اگرچه سبب اقوای از مباشر است و ایجاد ضرر به او منتسب گردد، مسبب ضامن خواهد بود؛ زیرا مشمول قاعده تسبیب خواهند بود.

همچنین ممکن است برای اثبات مسئولیت جبران خسارت از سرایت بیماری کرونا به قاعده دفع ضرر محتمل و قاعده تحذیر استناد شود. در استناد به قاعده دفع ضرر محتمل اشکالاتی وجود دارد که ممکن است پاسخ داده شود؛ ولی قاعده تحذیر به قاعده اقدام برمی‌گردد.

منابع.....

ابن ابی‌جمهور احسائی، محمدبن زید، ۱۴۰۵ق، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم، سیدالشهداء.

احسانی‌فر، احمد، ۱۳۹۹، «ابعاد فقهی و حقوقی بیماری‌های واگیر خطرناک و سریع‌الانتشار»، *حقوق اسلامی*، ش ۶۶، ص ۱۴۳-۱۷۳.

انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، *فرائد الاصول*، قم، جامعه مدرسین.

آخوند خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۰۹ق، *کفایة الاصول*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

بجنوردی، سیدمحمدحسن، ۱۴۰۱ق، *القواعد الفقهیه*، تهران، عروج.

بجنوردی، سیدحسین، ۱۴۱۹ق، *قواعد الفقهیه*، قم، الهادی.

حعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

حسینی مراغی، میرعبدالفتاح، ۱۴۱۷ق، *العناوین*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۹۹، «مبانی اخلاقی، فقهی و حقوقی الگوی مواجهه ملی با بیماری‌های همه‌گیر با تأکید بر کرونا»، *حقوق اسلامی*، ش ۶۶، ص ۴۹۷.

صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

صفایی، سیدحسین و اسدالله رحیمی، ۱۳۹۷، *مسئولیت مدنی تطبیقی*، تهران، دانشگاه تهران.

طاهری، حبیب‌الله، ۱۴۱۸ق، *حقوق مدنی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبائی مجاهد، سیدمحمد، ۱۴۱۵ق، *مفاتیح الاصول*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

فیض کاشانی، مرتضی، ۱۴۳۰ق، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین.

کاتوزیان ناصر، ۱۳۹۱، *مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد*، چ یازدهم، تهران، دانشگاه تهران.

محقق حلی، جعفربن حسن، ۱۴۰۸ق، *تسریع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، اسماعیلیان.

محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۶ق، *قواعد فقه*، چ دوازدهم، تهران، مرکز علوم اسلامی.

نائینی، محمدحسین، ۱۳۷۶، *فوائد الاصول*، قم، جامعه مدرسین.

نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، *جواهر الکلام*، چ هفتم، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.

هوشمند فیروزآبادی، حسین، ۱۳۹۹، «امکان‌سنجی رفع مسئولیت مدنی ناقلان بیماری‌های همه‌گیر»، *حقوق اسلامی*، ش ۶۴، ص ۷۷-۱۱۰.